

بررسی تطبیقی اندیشه‌ی اصلاحی سید جمال الدین اسدآبادی و سید احمد خان زهرا منزه¹

بی شک آغازگر حرکت‌های اصلاحی در صدساله اخیر سید جمال است که با تفکر و اندیشه‌ی اصلاحی خود، در صدد آگاهی و بیداری مسلمانان بود. او دلایل عقب ماندگی مسلمانان را استبداد داخلی و استعمار خارجی می‌دانست؛ و برای مبارزه با این دو عامل فلج کننده، آگاهی سیاسی و شرکت فعالانه مسلمانان در سیاست را واجب و لازم می‌شمرد. او برای تحصیل مجد و عظمت از دست رفته مسلمانان و به دست آوردن مقامی در جهان که شایسته‌ی آن هستند، بازگشت به اسلام نخستین و در حقیقت حلول مجدد روح اسلامی واقعی را در فاصله کالبد نیمه مرده مسلمانان، فوری و حیاتی میدانست. وی به شدت با بدعت زدایی و خرافه گرایی مبارزه می‌کرد و مسلمانان را به یادگیری علوم و فنون جدید و اقتباس تمدن غربی فرا می‌خواند. وی بر استمرار و یادگیری زبان بومی و تداوم فرهنگ و آداب و رسوم سنتی ملل تأکید داشت. از طرف دیگر جنبش نوگرایی در هند نیز با سید احمد خان آغاز شد. او نیز همچون سید جمال به دنبال آگاه ساختن و پیشرفت هندیان بود و همانند وی مخالف با خرافات بود و با عقایدی که عوام مسلمانان قرن‌های درستی آن‌ها را مسلم می‌گرفتند، ولی به نظر او مانع پیشرفت مسلمانان بود؛ مبارزه می‌کرد. از دیدگاه این اندیشمند بزرگترین سبب عقب ماندن هندیان، همان استیلی جهل است و سبب عمده آن نیز تعصب کورکورانه است که به واسطه آن هندی‌ها از انگلیسی‌ها و سایر فرنگی‌ها اجتناب ورزیده و از علوم و تمدن آنها نیز پرهیز کرده و علوم طبیعی و فلسفی را مخالف دین شمرده و به عادات و رسوم اجدادی متمسک هستند. لذا برای آگاهی مردم هند علاوه بر تاسیس دانشگاه علیگر، تفسیری جدید نیز بر قرآن کریم نوشت. هرچند هدف هر دو حرکت اصلاحی پیشرفت و مجد مجدد مسلمانان بوده است و هر دو متفکر بر فاکتورهایی اساسی همچون زبان و دین که با روح و جان مسلمین عجین شده است و همچنین بر یادگیری علوم و فنون غربی تأکید داشتند؛ اما میزان اهمیت و نوع رویکردشان نسبت به هر یک از این عوامل، متفاوت بود. نوشتار حاضر سعی بر این دارد که با بیان دیدگاه هر دو متفکر راجع به علل عقب ماندگی مسلمانان و راه‌حلی‌هایی که بیان داشته‌اند؛ محورهای اساسی را در تفکر اصلاحی آن دو بازشناسی و پس از آن به تفاوت رویکرد آنان نسبت به هر یک از این عوامل بپردازد. به بیان دیگر هدف از تحریر این مقاله بازشناسی نقاط تشابه و اختلاف تفکر اصلاحی این دو اندیشمند میباشد.

کلیدواژه‌ها: سید جمال الدین اسدآبادی، سید احمدخان هندی، اسلام، علوم و فنون غربی، استعمار

مقدمه

در قرن نوزدهم میلادی که سیاست توسعه طلبی سرمایه داری اروپا، به خصوص انگلستان به شدت توسعه می یافت و ممالک اروپایی در پرتو دستاورد های قرون جدید و انقلاب صنعتی در تمام زمینه ها رو به توسعه گذاشته و جریان انباشت سرمایه و رقابت سرمایه داری آنان را به اتخاذ سیاست های امپریالیستی سوق می داد؛ ممالک اسلامی تحت تأثیر بحران های عمیق و ریشه دار خود، در نهایت ضعف و انحطاط و عقب ماندگی به سر می بردند. در تمامی این جوامع عقب ماندگی فرهنگی، گستردگی خرافات و سنت پرستی، در کنار مسائل و مشکلات اقتصادی، مردم را هر چه بیشتر به کام جهل و نادانی سوق داده بود. در چنین شرایطی دولت های غربی از یک سو به منظور تحکیم پایگاه استعماری خویش، به نفوذ و گسترش فرهنگ و زبان خویش پرداختند تا بتوانند حضور خویش را ابدی نمایند. بنابراین انحطاط گسترده و ضعف مفرط جوامع اسلامی در پایان قرن سیزدهم و آغاز قرن چهاردهم، با دو ریشه ی عمیق داخلی و عامل تشدید کننده ی خارجی، تأمل برای حصول راه حل هایی برای خروج از بحران را ضروری می ساخت. لذا برای حل این مشکلات، روشنفکران جوامع اسلامی، هر یک به فرخور ادارک اجتماعی و سیاسی، پایگاه فکری، پیوند های حکومتی، تعلقات فرهنگی - دینی خویش راه حل های خاصی را پیشنهاد کردند. سید جمال الدین اسد آبادی و سید احمد خان هندی از جمله روشنفکرانی بودند که در چنین شرایطی پا به عرصه ی حضور نهادند. آنها برای نجات مسلمین بر عواملی همچون بازبینی مذهب در شرایط فعلی، یادگیری علوم و فنون غربی، مبارزه با استعمار تأکید ورزیدند اما رویکرد متفاوتشان نسبت به این عوامل منجر به نتایج متمایزی گردید که مقاله ی حاضر به این تفاوت ها و نتایجی که به همراه داشت، پرداخته است.

به منظور درک بهتر اندیشه‌ی اصلاحی سید جمال الدین و سید احمد خان، ناگزیریم که شکل‌گیری اندیشه‌ی اصلاحی این دو متفکر را در تداخل شرح حال و حوادثی که با آن روبرو بوده‌اند، بیان داریم؛ زیرا فهم هر اندیشه‌ی فارغ‌ظرف زمانی و مکانی خود ناقص و یا غیر ممکن خواهد بود.

شرح حال سید جمال و چگونگی آشنایی وی با سید احمد خان:

ظهور سید جمال الدین اسدآبادی و اندیشه‌ی اصلاحی وی مصادف با تسلط و حاکمیت امپریالیسم انگلستان بر اکثر مناطق مسلمان نشین بود. وی در اواخر دهه‌ی ۱۲۱۰ هجری در یک خانواده‌ی زمیندار خرده‌پا در روستای آذری زبان در اطراف اسدآباد به دنیا آمد. گرچه پدرش تنگدست بود، ولی به واسطه‌ی پیوند‌های خانوادگی توانست تحصیلات دینی خود را به پایان رساند. درس را از قزوین آغاز و در حزه‌ی نجف دنبال کرد. اما طی این تربیت سنتی، ذهن کنجکاو سید جمال الدین، او را به زمینه‌های غیر سنتی، نخست شیخی‌گری، سپس به بابی‌گری و سرانجام به هندوستان در جستجوی علوم جدید کشاند (آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۷). یک سال و نیم را در هندوستان گذراند و در آنجا با تعالیم اروپائیان آشنا گردید (حلبی، تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، ص ۳۳). وی در هند به شدت تحت تأثیر قیام هند قرار گرفت. از یک طرف توفیق اولیه‌ی قیام در بسیج کردن مسلمانان هندی بر ضد انگلیس، او را به پژوهش در رابطه‌ی بین مذهب رایج و اقدام سیاسی واداشت و از طرف دیگر، شکست آتی قیام او را در برابر فناوری نوین مبهوت ساخت و از این رو اشتیاق وی را به علوم جدید تشدید کرد (آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۷). تجربه‌ی سید جمال در روبرویی با قیام ضد استعماری هند تفکر وی را به سه نتیجه‌ی اساسی رهنمون ساخت. این که امپریالیسم با تصرف هند اکنون خاورمیانه را تهدید می‌کند، این که شرق از جمله خاورمیانه فقط با اقتباس فوری فناوری غرب، می‌تواند در برابر یورش غرب ایستادگی کند و این که اسلام به رغم سنت‌گرایی‌اش، مذهبی مؤثر در بسیج کردن مردم بر ضد امپریالیست‌هاست. سید جمال این عقاید اصولی را در سراسر دوران مبارزه‌ی خود حفظ کرد (آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، صص ۵۷-۵۸).

پس از آن به دیدار خانه‌ی خدا رفت و با بازگشت به افغانستان ده سالی را به امور سیاسی پرداخت، این دوره با تحولات داخلی قطع گردید. افکار آزادی خواهانه و محبوبیت او در میان مردم، مایه‌ی دشمنی نهانی انگلیس گردید. لذا این کشور را ترک و به هندوستان رفت. اما محدود کردن فعالیت‌های وی به وسیله‌ی حکومت هند، منجر به حرکت وی به از راه مصر به قسطنطنیه شد. در مصر نیز حکومت تاب تحمل عقاید وی را نداشت و نتیجتاً در سال (۱۷۸۹م-۱۲۹۷ق) از مصر اخراج گردید (حلبی، تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، ص ۳۴). بدین ترتیب در سال ۱۷۸۹ م به حال تبعید از مصر به هندوستان آمده، در حیدرآباد ساکن شد و اتفاقاً با صف‌آرایی علما و سید احمد خان مواجه گشت (خامنه‌ای، نقش مسلمانان در بیداری هند، ص ۵۶).

شرح حال سید احمد خان هندی و چگونگی شکل گیری اندیشه ی اصلاحی

وی:

سید احمد خان یکی از شخصیت های مهم هندی بود، که در احیای اسلام و انطباق دادن موازین اسلامی با یافته های علمی جدید تلاش گسترده ای انجام داد (حلبی، تاریخ نهضت های دینی سیاسی معاصر، ص ۱۱۱). وی در سال ۱۸۱۷ م در خانواده ای متولد شد که به واسطه ی انتساب به دودمان پیامبر دارای حیثیت روحانی بودند. پدرش یک نفر روحانی منزوی و مادرش دختر نخست وزیر دربار شاهنشاهی مغول بود. قبل از آنکه به سن بیست سالگی برسد، زندگانی آسوده و مرفهش به نیازمندی مبدل شدو به تحصیل علم حقوق پرداخت؛ پس از آن وارد خدمت و به سمت منشی گری گماشته شد؛ ولی در نتیجه ی فعالیت تحقیقی و کوششی که در این راه به کار برد، در سن بیست و چهار سالگی به مقام قضاوت نائل گردید. از سال ۱۸۴۲ م تا ۱۸۵۴م، ضمن خدمت در محاکم قضایی دهلی، در میان عده ای از جوانها که نغمه ی اصلاحات ساز کرده بودند، مشهور شد. طولی نکشید که رهبری شان را بر عهده گرفت. در طول سالهای اول کار وقتی که مراقب مسلمین بود و می دید که این جمعیت برای بقای خودشان در مبارزه با هندو های چالاک و زرنگ مشغول مشاجره و جنگ و جدال هستند، معتقد شد که تنها امید برای نجات آنها، همکاری با انگلیسی هاست (بازرگان، آزادی هند، صص ۶۲-۶۱). در انقلاب سال ۱۸۵۷ م، وی در شهر بگنورد (واقع در شمال هندوستان) بود و با شورشیان مسلمان وحدت نظر نداشت، زیرا معتقد بود که تا وقتی میان دو جنبه ی متقابل، توازن نیروها برقرار نباشد، این انقلاب به صرفه و صلاح مسلمانان نخواهد بود. او توانست در گیر و دار انقلاب برای انگلیسی ها خدماتی هم انجام دهد و بسیاری از اسری انگلیسی را از کشتن نجات دهد (خامنه ای، نقش مسلمانان در آزادی هند، ص ۵۰). او به خاطر این خدمات و تلقی محترمانه ای که از انگلیسی ها داشت، به اخذ مقرری سالانه و سپس دریافت لقب سر از دولت انگلیس نائل گردید (خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۵۵).

پس از شورش ۱۸۵۷ م، انگلستان، مسلمانان را بیشتر از هندوان تحت فشار قرار داد، زیرا انگلیسی ها مسلمانان را از هندو ها مبارزتر و جسورتر می دانستند. از طرف دیگر مسلمانان هم خود را از تعلیمات جدید انگلیسی ها دور نگه می داشتند و به ندرت مقام ها و خدمات دولتی را قبول می کردند. به این جهات آنها در نظر انگلیسی ها، عناصری مشکوک و غیر قابل اعتماد جلوه گر می نمودند. در آن زمان هندوها با نرمش بیشتری به آموختن زبان انگلیسی پرداختند و خدمات اداری را پذیرفتند و به نظر می رسید که از مسلمانان مطلع تر هستند. سپس دوران رشد تمایلات ملی فرا رسید، این تمایلات از همان طبقات بالایی و تحصیل کرده هایی که به زبان انگلیسی، آشنا شده بودند و صحبت می کردند، و طبعاً به هندو ها محدود ماند، زیرا مسلمانان در آن زمان ار لحاظ اطلاعات جدید و آموزش و پرورش جدید خیلی عقب مانده بودند. لذا در آن زمان فقدان معلومات و آموزش زبان انگلیسی در میان مسلمانان مانع بزرگی برای پیشرفت مسلمانان بود و

سید جمال نیز همچون سید احمد خان یکی از علل عقب ماندگی مسلمانان را جهالت و بی خبری توده ی مسلمان و عقب ماندن آنها از کاروان علم و تمدن می دانست (صاحبی، اندیشه ی اصلاحی در نهضت های اسلامی، ص ۸۷). اما این دو اندیشمند در این باب راهکاری متمایز ارائه دادند.

بررسی تطبیقی جایگاه یادگیری علوم و فنون غربی در اندیشه ی سید جمال و سید احمد خان:

سید احمد خان در زمینه ی آراء فکری و تعلیم و تربیت و سیاست نوین سلامی پیش قدم بود. برنامه های آموزشی که در سال ۱۲۷۵ ق - ۱۸۵۹ م به ابتکار او به اجرا در آمد و تا مرگ وی در سال ۱۳۱۶ ق - ۱۸۶۴ م دنبال گردید، سرنوشت فکری سیاسی و اقتصادی مسلمین هندی را دگرگون کرد و پل اصلی انتقال فکری از عقاید قرون وسطایی به تفکر عصر جدید را تشکیل داد. وی از همان آغاز از یک سو ضرورت استفاده از زبان انگلیسی را همچون وسیله ی آموزش؛ و از سوی دیگر توسعه و تکامل زبان اردو را از طریق ترجمه ی آثار بنیادین علوم اجتماعی و طبیعی به این زبان، احساس کرد و در سال ۱۲۸۱ ق - ۱۸۶۴ م انجمنی علمی را برای ترویج علوم غربی پایه گذاری کرد. این انجمن به ترجمه ی آثار علمب به اردو و انتشار آن در روزنامه ی به دو زبان پرداخت. وی در سل ۱۸۶۴ م مدرسه ای به سبک جدید در غازی پور در آغاز به منظور تعلیم مسلمانان محلی بنا کرد، کمی بعد این امر به تشکیل تعدادی هیئت های آموزشی در مناطق مختلف ثلاث شمال غربی، منجر گردید. در سالهای ۱۲۸۷ - ۱۲۸۶ ق - ۱۹۷۰ - ۱۹۶۹ م، سید احمد خان از انگلیس دیدار کرد و در کمبریج به مطالعه ی نظام آموزشی پرداخت، به این منظور که نهادی آموزشی برای مسلمین پی افکند تا بعد بتواند به صورت یک دانشگاه در آید (عزیز، تاریخ تفکر اسلامی در هند، صص ۸۸-۸۷).

در این زمان، او دعوت خود را دایر بر ایجاد مدرسه ای نوین آغاز کرد. وی در این موقع به شهر "علیگره" که شهری کوچک، واقع در شصت مایلی جنوب شرقی دهلی است، انتقال یافت و از ثروتمندانی که با او همفکر بودند، درخواست کرد که وسایل بنیاد مدرسه ای را فراهم آورند. بدین ترتیب مدرسه ای که به مرور زمان، توسعه یافته و علیگر نامیده شده، به وجود آمد و در سال ۱۹۱۲ م دولت آن را به رسمیت شناخت (خامنه ای، نقش مسلمانان در بیداری هند، ص ۵۲). این اقدام فرهنگی در شرایطی صورت گرفت که اکثری علمای مجاهد و پیروانشان، انگلستان و فرهنگ انگلیسی را با دیده ی دشمنی می نگریستند. بنابراین موج سوء ظن و عداوت شدید عامه ی مسلمین، موسس آن را احاطه کرده بود و این سوء ظن وقتی شدت بیشتری یافت که

بنابراین سید احمد خان، نا آگاهانه توجیه گر مظالم استعمار انگلیس شد. اما سید جمال با هوشیاری و تیزبینی آگاهانه ای که نسبت به ابعاد همه جانبه ی این مقوله داشت، نگرشی متفاوت از سید احمد خان ارائه کرد.

سید جمال با اینکه مردی تجدد گرا بود و مسلمانان را به علوم. فنون جدید و اقتباس تمدن غربی فرا می خواند و با بی سوادی و بی خبری و عجز فنی و صنعتی مسلمین به پیکار برخاسته بود، متوجه خطر های تجدد گرایی افراطی بود. او می خواست مسلمانان علوم و صنایع غربی را فرا گیرند اما با اینکه اصول تفکر مسلمانان، یعنی جهان بینی آنها غربی گردد و جهان را با همان عینک ببینند که غرب می بیند، مخالف بود. او مسلمانان را دعوت می کرد که علوم غربی را فرا بگیرند اما از اینکه به مکتب های غربی بپیوندند، آنها را بر حذر می داشت (مطهری، نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، صص ۲۰-۱۹). سید در مقاله ای که در باب فلسفه و ملیت و وحدت جنسیت و اتحاد لغت نوشته، پس از تقدیم یک مقدمه ی منطقی و بحث فلسفی مفصل، آنجا که می خواهد نتیجه بگیرد، نظر متوجه هندوستان ساخته، می گوید: چون مطلب بدانجا رسید، اکنون می توانم که هندوستان را محط انظار خود نموده بگویم: آنهایی که از اهل هند بر قله ی کوه نور بصیرت بر آمده اند و معنی جنسیت را فهمیده اند و مزایای آن را دانسته اند و به دوربین تدبر در ازمان گذشته و آینده نظر انداخته اند؛ چرا در این امر سترگ غور نمی کنند که بقی جسیت و اجتنائاً شمار آن موقوف بر آن است که تعلیم و تعلم در مدارس به لغت وطنیه بوده باشد؟ آیا تعجب نمی شود که علوم جدیده عالم را فرا گرفته و حال آنکه چیزی از آنها را که قابل بوده باشد، به زبان هندی ترجمه نشده است؟ آیا در این نکته غفلت نورزیدند که اگر در لغت جنسی از اجناس بنی آدم، علوم نافع در مدنیت نبوده باشد، آن جنس را پایداری نخواهد شد؟ سید پس از آنکه شرحی در این زمینه می نویسد، مرد هند را به آموختن زبان خارجی فقط به قصد ترجمه ی علوم و فنون غربی، تشویق می کند (محیط طباطبایی، نقش سید جمال الدین اسد آبادی در بیداری مشرق زمین، صص ۶۴-۶۵).

سید جمال علاوه بر مقابله با استعمار سیاسی به مبارزه با استعمار فرهنگی نیز پرداخت و همواره بر این امر تأکید داشت که حفاظت کامله و حراست تامه و اطمینان کلی و سکون قلب حقیقی، وقتی انگلیسیان ر دستیاب خواهد شد که استحکامات پایداری مملکت خویش را در قلوب هندیان استوار نماید (محیط طباطبایی، نقش سید جمال الدین اسد آبادی در بیداری مشرق زمین، صص ۶۴-۶۵).

کنکاشی در جایگاه نقش مذهب در اندیشه ی سید جمال و سید احمد خان:

از دیگر اقدامات سید احمد خان برای پیشرفت مسلمانان، برقراری یک کنگره ی سالانه با شرکت زعمای هند بود که خود به مدت پنج سال متوالی ریاست آن را عهده ار بود. در این کنگره همیاری بین مسلمانان و همفکری در راه اصلاح دین و دنیای آنان محور اصلی بحث بود (خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۵۵). اما روشی که این دو متفکر در رابطه با اصلاح دین و بازتفسیر جدید آن در پیش گرفتند، تفاوت های اساسی با یکدیگر داشت.

سید احمد خان چون می دید که همه ی مسلمانان قاره ی هند در خواب غفلت غنوده و با هر اصلاح و تجدیدی که رنگ تازگی داشت، مخالفت می ورزند؛ ناچار شد که در هندوستان دو کار اساسی انجام دهد: یکی تأسیس دانشگاه علیگر و دیگری تألیف تفسیر قرآن کریم تا مردم به فرنگ نو آشنا گردند و معتقدات اسلامی خود را بنا به اوضاع زمانه تطبیق دهند (مدرسی، سید جمال الدین و اندیشه های او، ص ۲۳۸). نگرش سید احمد خان نسبت به دین، شباهت تام و تمامی به فیلسوفان یا روشنفکران دیندار عصر عقل یا روشنفکران قرن هیجدهمی اروپا داشت که غالباً دئیست (قائل به وجود خدا با ایمانی که تابع عقل است نه وحی و دین) بودند. به تعبیر دیگر او یک اصالت عقلی - طبیعی داشت. سید احمد خان که اوج کار و بار علم و حضیض گرایایی کار و بار دین را در اروپای معاصر، از دور و نزدیک دیده و شنیده و خوانده بود، گویی به این نتیجه رسیده بود که چاره از دو بیرون نیست: یا باید عقل گرا و علم گرا شد و حتی المقدور برای تبیین و توجیه اصول و فروع شریعت، از عقل و علم دلیل آورد و هر آنچه را که در پیمانۀ ی این دو نمی گنجد، منکر شد؛ یا اگر ممکن باشد تاوی کرد. سید احمد خان حقانیت ابدی اسلام را فقط به شرط تعبیر روز پسند و انطباق مداوم حقایق دین با دقایق علم و معرفت می دانست (خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۵۹).

آراء و عقاید بدیع و غالباً بدعت آمیز سید احمد خان و تأویل و وحی و معجزه و دعا و چون و چرا در بسیاری از مبانی اسلام، از کتاب و سنت، تأویلات دلیل تراشانه و خرد پردازانه از اصول و فروع دین به عمل آوردن، بسیاری از مسلمانان سخت کیش و درست اعتقاد را به مخالفت با او واداشته بود (خرمشاهی، تفسیر و تاسیر جدید، ص ۵۶). وی در نتیجه ی بینش دئیستی، معتقد بود که قوه ی نبوت بدون استثنا و تبعیض در بین تمام انسانهاست، اگر چه ممکن است درجاتش فرق داشته باشد. علاوه بر این وی مبتنی بر نگرش طبیعی گرایایی خود امکان وقوع معجزه و تأثیر دع را انکار می کرد و در این باب اظهار داشت، قوانین طبیعت تخطی ناپذیر است و هیچ چیزی نمی تواند آنها را تغییر دهد. حتی خداوند هم نمی تواند بر خلاف آن کاری صورت دهد. او وجود روح و جاودانگی آن را باور دارد و به معاد جسمانی - روحانی معتقد است؛ اما بهشت و دوزخ را که در قرآن با تعبیر محسوس و مادی بیان شده، صرفاً استعاره و تمثیل از احوال روحی در حیات اخروی می داند. به نظر او محال است که حقیقت چیز های ماورای حسی با کلمات بیان شود، حتی اگر آن کلمات، کلام الهی باشد (خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید، صص ۶۲-۶۰). وی قرآن را نیز بر اساس فکر و ذیانت خود و بدون آنکه به گفته های همه ی علمای اسلام که در طول تاریخ بر آن اتفاق داشته اند، اعتنایی بنماید و یا

در مقدمه و متن تفسیر سید احمد خان به چنان علم زدگی ها و خرق اجماع ها و انکار ضرورت ها بر می خوریم که به خیال خودش به ضرب آنها از قرآن خرافات زدایی کرده و آن را به زیور علم و عقل اواخر قرن نوزدهم آراسته است.

از قضا سید جمال الدین اسد آبادی در جدالی که پیرامون سید احمد خان بر پا بود، وارد هند شد و در خلال این غوغا ها یکی از مدرسین مسلمان حیدر آباد، نامه ای به سید جمال نوشته و رأی او را درباره ی این بدعت که به طور روز افزون در هندوستان رواج یافته و در هر شهر و دهکده پیروانی به نام نیچری پیدا می کرد، سوال کرده بود. سید در پاسخ این نامه رساله ای به فارسی نوشت و در بیان رساله ریشه ی این بدعت و سیر تاریخی آن را از روزگاران قدیم تا زمان حاضر بیان کرد و منافات و تضاد آن را با اسلام باز نمود(خامنه ای، نقش مسلمانان در بیداری هند، صص ۵۸-۵۷).. ویدر این مقاله به تفصیل به ارزیابی تفسیر سید احمد خان پرداخته است.

دیدگاه سید جمال راجع به تفسیر قرآن سید احمد خان هندی:

وی در ابتدا اظهار می دارد که هدف سید احمد خان از تفسیر قرآن، اصلاح قوم خویش بوده است.. چون این تفسیر را چنان چه ادعا می گند از برای اصلاح قوم نوشته است، یقین کردم که آن سیاسیات الهیه و اخلاق قرآنیه ای که موجب برتری و برومندی امت عربیه شد در جمیع مزایای عالم انسانی، همه ی آنها را در مقدمه ی کتاب خود به طرزی جدید و نهجی تازه بر روفق حکمت، شرح و بسط داده است و آن حکمی را که سبب

در باب اصلاح دین از بند خرافات و تعصب های ناروا و مزابقت ایمان با شرایط علمی دنیای جدید سید جمال نیز همانند سید احمد خان به تطبیق دادن اعتقادات با عقل موافق است، اما نه به این افراط که منجر به انکار دین اسلام و مفاهیم اساسی آن گردد. به نظر سید جمال دین اسلام ذاتاً مانع از پیشرفت نیست، بلکه سوء تعبیر احکام آن گاهی چنین توهمی را به وجود می آورد. برای مطابقت ایمان با شرایط علمی دنیای جدید باید اعتقادات را به کمک عقل سنجید و کلام خدا را در جهت آزادی سیاسی و بی نیازی اقتصادی مسلمانان و حقوق حقه ی انسانی آنها فهمید مسلمانی که بدینسان از بند خرافات و تعصب های ناروا رها می شود و به حقایق دینی خود، آگاهی می یابد و امکانات جدید آن را در می یابد، نه فقط تعدی غیر انسانی را به شخصیت خود نمی پذیرد. بلکه عمدتاً به اتحاد با دیگر برادران مسلمان خود شائق می شود و از یان رهگذر اسلام را به عالی ترین درجه ی قدرت قدرت می رساند. سید جمال معتقد است فقط بدین گونه می توان

بنابراین هدف سید جمال از اصلاح دین همانا بازگشت به اسلام نخستین و دور ریختن خرافات و پیرایه ها و سازو برگ هایی بود که در طول تاریخ به اسلام بسته شده است. بازگشت به اسلام نخستین از نظر وی به معنی بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است (مطهری، نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، ص ۲۳). سید جمال در نشریات و کتابهای خود کوشش کرده است، مسلمانان را عمیقاً مومن سازد که اسلام قادر است به عنوان یک مکتب و یک ایدئولوژی مسلمانان را نجات و رهایی بخشد و به استبداد داخلی و استعمار خارجی پایان دهد و بالأخره به مسلمانان عزت و سعادت ارزانی دارد (صاحبی، اندیشه ی اصلاحی در نهضت های اسلامی، صص ۹۵-۹۴). او در این راه اندیشه ی اتحاد اسلام را بیان نمود و منظور وی از اتحاد اسلام، اتحاد مذهبی که امری غیر ممکن است، نبود؛ بلکه منظور اتحاد جبهه ای و سیاسی بود، یعنی تشکیل صف واحد در مقابل دشمن غارتگر (مطهری، نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، ص ۲۹).

ولی سید احمد خان با اندیشه ی اتحاد اسلام که سید جمال مطرح، و از طرف سلطان عبدالحمید عثمانی تشویق می شد و در میان برخی از قشر های بالایی هند نیز هودارانی پیدا کرد؛ مخالفت نمود و بر ضد هندیانی که به خلافت و سلطنت عثمانی علاقه نشان می دادند، مقالات و مطالب انتقاد آمیزی می نوشت (لعل نهر، کشف هند، ص ۵۷۴).

هر چد که هر دو متفکر بازبینی در شرایط کنونی مذهب را ضروری و لازم می شمردند، اما رویکردشان و راه حلی که ارائه دادند به میزان زیادی با یکدیگر متفاوت بود. به گونه ای که تفسیر و دیدگاه سید احمد خان منجر به عداوت و دشمنی اکثریت علمای مسلمان و تکفیر وی گردید و از طرف دیگر اندیشه ی سید جمال منجر به تحکیم پایه ها و مفاهیم اساسی اسلام شد.

بررسی تطبیقی چگونگی مبارزه با استعمار انگلستان در اندیشه ی سید جمال و سید احد خان هندی:

بی شک یکی از اقدامات اساسی در راه پیشرفت و مجد مسلمانان، مبارزه با استعمار و خود باختگی در مقابل غرب بود که سید جمال الدین اسد آبادی ب اذعان به این مقوله آن را یکی از درد های جامعه ی اسلامی معرفی می نماید. وی معتقد است برای هیچ کشور کوچک و ناتوانی جای شرمندگی نیست، اگر مغلوب قدرت مسلحانه ی کشوری بزرگ تر و قوی تر از خود شود؛ ولی رسوایی و ننگی که گذشت زمان نمی تواند آن را پاک کند، این است که آن کشور یا یکی از افراد آن یا یک گروه، کشور را به راهی براند که گردن های مردم را زیر یوغ دشمن بگذارد؛ خواه از راه بی دقتی در اداره ی امور آنها و خواه به سبب جلب نفعی گذرا، زیا در این صورت آنها خود عوامل تباهی خویش می شوند. به عقیده ی سید جمال، غربیان در شرق روش های شگفتی برای خاموش کردن روح میهن پرستی به کار می برند، از تربیت ملی جلوگیری می کنند و فرهنگ

سید احمد خان در این باب، دیدگاهی کاملاً متمایز و درست بر عکس سید جمال دارد. سید احمد خان معتقد بود که فقط از راه همکاری با مقامات انگلیسی می‌تواند وضع مسلمانان را بهتر سازد و بالاتر ببرد. وی می‌خواست و می‌کوشید که مسلمانان آموزش زبان انگلیسی را بپذیرند و به این ترتیب آنها را از صدف‌های خودشان بیرون کشد. او به شدت تحت تأثیر آنچه از تمدن اروپایی دیده بود، قرار گرفت و در بعضی از نامه‌هایی که از اروپا می‌فرستد، متذکر می‌شد که از آنچه دیده است چنان گیج شده که تعادل خود را از دست داده است (لعل نهرو، کشف هند، ص ۵۷۲). به گفته مطهری سر سید احمد خان پس از سفری که در سال ۱۲۸۴ ق به انگلستان داشت چنان اینسفر در روحیه یوی اثر گذاشت که فکر مبارزه با استعمار انگلیس و قدرت سیاسی-اقتصادی و نظامی - فرهنگی آن به کلی از دماغ سید احمد خارج و آن چنان مرعوب فرهنگ و تمدن غرب گردید که آن را غیر قابل خدشه و چون و چرا و قدرت انگلیس را مقاومت ناپذیر و مبارزه با آن را بیهوده دانست. به نظرش رسید که تنها راه برای مسلمانان، جلب حمایت انگلستان در مقابل هندوان است. لذا سید احمد خن از این پس تبدیل شد به یک فرد مبلغ تمدن و فرهنگ غرب (مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله ی اخیر، ص ۳۳).

نتیجه:

با نگاهی به آنچه گذشت می‌توان به اثبات این امر که رویکرد متمایز نسبت به مسائل مشابه می‌تواند نتایج و اقداماتی کاملاً متفاوت با یکدیگر را ایجاد کند، تأکید کنیم. هرچند که سید احمد خان و سید جمال شرایط مشابه اجتماعی را تجربه نکردند، اما اصول مبارزاتی ک برای مقابله با عقب ماندگی مسلمانان در پیش گرفتند، تقریباً یکسان بود؛ اما تعادل یکی و افراط گرایی دیگری منجر به اقداماتی کاملاً متمایز شد. هر چند که هر دوی آنها بر یادگیری علوم و فنون غربی، مقابله با انگلستان و باز بینی در شرایط فعلی مذهب اسلام تأکید می‌ورزیدند اما رویکرد نفاویشان نسبت به هر یک از این مسائل، منجر به تمایزات اساسی در اندیشه ی اصلاحی آن دو گردید.

اگر سید احمد خان از اصلاح دین سخن می‌گفت، سید جمال مسلمانان را از فریبکاری برخی مصلحان و خطرات افراط در اصلاح بر حذر می‌داشت؛ اگر سید احمد خان فراگرفتن اندیشه های نو را برای مسلمانان تأکید می‌کرد؛ سید جمال بر این موضوع اصرار داشت که اعتقادات دینی بیش از هر عامل دیگر افراد انسانرا به رفتار درست رهنمون می‌سازد و اگر سید احمد خان مسلمانان را به پیروی از شیوه های نو در تربیت تشویق می‌کرد، سید جمال این شیوه ها را طبعاً برای دین و قومیت مردم هند زیان آور می‌دانست. بدین سان سید

در نهایت نیز عکس العمل مردم مسلمان هند، نسبت به عقاید و اقدامات اصلاحی سید احمد خان، گواهی بر انتخاب رویه ای اعتدال در مبارزات می باشد نه آن گونه افراط گرایی که لزوم تکفیر وی را فراهم گرداند.

فهرست منابع:

- ۱- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه ی کاظم فیروز مند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷
- ۲- اسد آبادی، سید جمال الدین اسد آبادی، مقالات جمالیه، به کوشش ابوالحسن جمالی، تهران انتشارات اسلامی، ۱۳۵۸
- ۳- بازرگان، مهدی، آزادی هند، تهران انتشارات کتابفروشی محمدی، بی تا
- ۴- حلبی، علی اصغر، تاریخ اندیشه های سیاسی در ایران و اسلام، تهران انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰
- ۵- حلبی، علی اصغر، تاریخ نهضت های دینی سیاسی معاصر، تهران انتشارات زوار، ۱۳۸۲
- ۶- خامنه ای، سید علی، نقش مسلمانان در آزادی هندوستان، تهران انتشارات آسیا، ۱۳۴۷
- ۷- خرمشاهی، بهاء الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران انتشارات کیهان، ۱۳۶۴
- ۸- صاحبی، محمد جواد، اندیشه های اصلاحی در نهضت های اسلامی، تهران انتشارات کیهان، ۱۳۷۰
- ۹- عزیز، احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، تهران انتشارات کیهان، ۱۳۶۷
- ۱۰- عنایت، حمید، سیری در اندیشه ی سیاسی عرب، تهران انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۸
- ۱۱- لعل نهر، جواهر، کشف هند، ترجمه ی محمود تفضلی، تهران انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۰
- ۱۲- مجتهدی، کریم، سید جمال الدین اسد آبادی و تفکر جدید، تهران انتشارات نشر تاریخ ایران،
- ۱۳- محیط طباطبایی، محمد، نقش سید جمالالدین اسد آبادی در بیداری مشق زمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ سلامی، ۱۳۵۲
- ۱۴- مدرسی، مرتضی، سید جمال الدین و اندیشه های او، تهران انتشارات پرستو، بی تا
- ۱۵- مطهری، مرتضی، نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، تهران انتشارات صدرا، ۱۳۶۰

Comparative study and reforming thoughts of seyedjamal adin

Undoubtedly Seyed Jamal had been the beginner of reforming movements. He was to make Muslims aware by his thoughts. He believes that the causes of Muslims' backwardness are internal autocracy and external colonialism and to come over these crippling factors the political awareness and active participation in policy is necessary. To gain the lost greatness of Muslims and reach to a deserving status returning to initial Islam and incarnation of real Islamic soul into semi-died body of Muslims is necessary.

He fought with novelty and superstition and recalled the Muslims to learn new sciences and adaptation of western civilization. He emphasizes on continuation and learning native language and permanency of traditional culture and customs.

In the other hand modernism movement was started by Seyed Ahmad Khan. He also was to develop and give awareness to Indians. And like Seyed Jamal disagreed with superstition and the beliefs which Muslims had been considered them as correct beliefs but he fought with them as an obstacle in Muslims' developing.

In his look the greatest cause of Indian backwardness is unawareness and the cause of this is dogmatism and so Indians avoid English culture and other cultures and also

avoid their civilization and sciences and they know philosophic and natural sciences opposite to religion and they continue their ancestral habits and customs. so to aware Indians he established Eliger university and also wrote a new interpretation on Quran.

However the objective of both movement was developing and further graeantes of Moslem and both thinkers emphasis on basic factors like language and religion which is combined with soul of Moslems and also on learning western sciences and profession but the importance amount and kind of facing with each of these factors are different. this study try to express both thinkers look about the cause of back wardness of Moslems and solution taht they expressed recognise the main exises of both movevenst and then study the diffrentes in their look about these factors. in the other word the goal of this article writing is recognition of similarity and differences in these two thinkers reforming thought.

Key words :Seyed Jamal Aldin Asad abadi. Seyed Ahmad khan Hendi, Islam, western sciences and profession, colonilism

